

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های سیاسی تأثیرگذار در امنیت ملی

محمدرضا مختاری پور^۱

وحید اسفندیاری^۲

مهدی بخشی^۳

چکیده

بحران‌های سیاسی یکی از پدیده‌های پیچیده در جوامع امروزی هستند که به واسطه عوامل متعدد داخلی و خارجی شکل گرفته و در امنیت ملی کشورها تأثیر بسزایی دارند؛ از این رو توجه ویژه به شناسایی و احصای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های سیاسی در جهت مقابله با این بحران‌ها برای تأمین امنیت ملی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد. برای درک صحیح بحران‌های سیاسی، باید از ابزارهای مناسب نظری برخوردار بوده زیرا چنین ابزاری کار تجزیه و تحلیل و مطالعه این پدیده را آسان‌تر خواهد کرد. هدف اصلی این تحقیق، پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش یعنی مؤلفه‌ها و شاخص‌های ابعاد مختلف بحران‌های سیاسی تأثیرگذار در امنیت ملی کدامند؟ است. رویکرد این تحقیق تلفیقی و از نظر هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش جامعه آماری، ۱۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران حوزه بحران و متخصصین حوزه امنیتی دارای تحصیلات دکترا در رشته علوم سیاسی بوده‌اند. در نهایت از نتایج پژوهش ۵ بعد، ۱۸ مؤلفه و ۵۴ شاخص برای بحران‌های سیاسی شناسایی شد که ۳ بعد برجسته‌تر، ۶ مؤلفه عیان‌تر و ۸ شاخص نمود بیشتری در بروز و کنترل بحران‌های سیاسی داشته‌اند.

واژگان کلیدی

امنیت، بحران سیاسی، بحران هویت، بحران مشارکت، بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران توزیع

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون فارابی mokhtaripour1989@gmail.com :

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون فارابی va.esfand6700@gmail.com :

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون فارابی mehdibakhshii2024@gmail.com :

جستارگشایی

هیچ کشوری نمی‌تواند مدعی ثبات سیاسی مطلق و داشتن فضایی کامل از امنیت باشد. این مهم با وجود رشد سیاسی جوامع به دلایل مختلف از جمله؛ کمبود منابع، اقدامات قدرت حاکم، رقابت برای کسب قدرت و شرایط حاکم بر کشور در طول تاریخ زندگی انسان از فراز و نشیب‌های فراوانی برخوردار بوده و با توجه به شرایط زمانی و مکانی با شدت یا ضعف خاص، حکومت‌ها و جوامع را دستخوش تحول نموده است. مشکلاتی که توده مردم و حتی دولت با آن روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند ناشی از بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ باشد. این که کدام یک از این بحران‌ها بر روند توسعه سیاسی یک کشور تأثیر داشته با توجه به موقعیت زمانی و مکانی حکومت‌ها و شرایط خاص جامعه قابل تفسیر و ارزیابی است. گاهی بحران‌های سیاسی ناشی از یکی از موارد یادشده و گاهی می‌تواند تلفیقی از همه آن‌ها باشد که در این شرایط بدترین نوع بحران بر جامعه یا سازمان حاکم شده و حکومت‌ها/دولت‌ها یا سازمان‌ها را با براندازی یا دست‌کم تغییر هیئت حاکم/مدیران سازمانی همراه سازد (ساوه‌درودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶)؛ بنابراین بحران‌های سیاسی از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که دولت‌ها و جوامع با آن روبه‌رو می‌شوند. این بحران‌ها می‌توانند ساختارهای سیاسی و اجتماعی یک کشور را به‌طور چشمگیری تحت تأثیر قرار دهند و منجر به تغییرات گسترده در نظام‌های حکومتی، روابط اجتماعی و اقتصادی شوند. بحران سیاسی معمولاً با ضعف در نهادهای حکومتی، کاهش اعتماد عمومی و نارضایتی عمومی همراه بوده که می‌تواند به بروز ناپایداری‌های جدی در کشورها منجر شود. این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که با مشکلات ساختاری، فساد و نابرابری‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، پررنگ‌تر است. در واقع بحران، پدیده و رویدادی است که در یک جامعه یا سازمان اتفاق می‌افتد و منجر به بروز صدمه، آسیب و تهدید می‌شود به‌گونه‌ای که عبور از آن مشکل بوده و نیاز به تصمیم‌گیری فوری دارد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱).

روزنتال^۱ از بحران به وضعیتی یاد می‌کند که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است و طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و فتنه‌ها، ستیزه‌ها،

1. Rosenthal

آشوب‌ها و اقدامات تروریستی را می‌توان در این تعریف جای داد. در بحران باید به سرعت ریشه حوادث برای تصمیم‌گیری روشن و اهمیت نسبی ارزش‌های در معرض خطر، مشخص گردد (همان: ۹۲).

برای هر ساختاری، امنیت، ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که باید برای مردم سرزمین خود به ارمغان آورد؛ چراکه در سایه امنیت، یک کشور می‌تواند به آرمان‌های خود همانند رفاه عمومی، عدالت، توسعه‌یافتگی و... دست یابد. ازاین جهت تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان می‌بایست با شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به وجود آورنده یک بحران سیاسی و تحلیل علمی آن، نسبت به پیش‌بینی و پیشگیری آن اقدام نمایند.

این پژوهش بر آن است تا با تحلیل دقیق مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران سیاسی، مدلی جامع ارائه دهد که به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کمک کند تا در مراحل اولیه شکل‌گیری بحران، اقدامات مناسب را انجام دهند. ازاین‌رو دغدغه اصلی پژوهشگر در این پژوهش، ضرورت شناخت عمیق و همه‌جانبه از ماهیت، ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران سیاسی تأثیرگذار در امنیت ملی است. به دلیل پیچیدگی ذاتی بحران‌های سیاسی و تنوع عواملی که در شکل‌گیری آن‌ها دخیل هستند، بسیاری از بحران‌ها به موقع شناسایی نشده و باعث بروز تبعات گسترده‌تر می‌گردد. نبود دانش کافی و ضعف در شناخت پیش‌نشانه‌ها و شاخص‌های اولیه و همچنین عدم توجه کافی به این موارد منجر به کاهش ضریب امنیتی کشور می‌شود.

از مهم‌ترین پیامدهای انجام این پژوهش، می‌توان به توسعه راه‌کارهای کارآمد برای حفظ ثبات سیاسی و حمایت از حقوق شهروندان و درنهایت حفظ و ثبات امنیت ملی اشاره نمود. همچنین در صورت نپرداختن به این پژوهش در سطح جامعه، موجب افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، تشدید بحران‌های سیاسی و بروز بحران‌های امنیتی و در صورت تداوم آن فروپاشی نهادهای حکومتی و قانونی خواهد شد.

گفتنی است؛ سؤال پژوهش این پژوهش، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های سیاسی تأثیرگذار در امنیت ملی کدامند؟ و فرضیه پژوهش، شامل پنج بعد اصلی هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع است.

پیشینه تحقیق

برابر بررسی‌های به عمل آمده در باب «شناسایی و تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های سیاسی تأثیرگذار در امنیت ملی» منابع علمی و پژوهشی اندکی منتشر گردیده لیکن برخی منابع پژوهشی تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند که مختصر به آن اشاره می‌گردد.

فضلی، رسول (۱۴۰۰) در کتابی با عنوان «بحران‌های سیاسی - اجتماعی زمین لرزه در ایران» به بررسی بحران و پیامدهای سیاسی - اجتماعی زمین لرزه احتمالی تهران پرداخته است. این کتاب حاصل ایده‌ها، نظرات و تجربیات نویسنده بوده که با هدف کمک به حل یکی از مسائل اساسی کشور در حوزه مدیریت بحران و همچنین تأمین منبع علمی دانشگاهی در این زمینه نوشته شده است. گفتنی است؛ خلاصه این کتاب این است که نگاه امنیتی به بحران ندارد و به آن توجه نکرده است.

واعظی، محمود (۱۴۰۱) در کتابی با عنوان «بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه» جنبش‌های اجتماعی را عاملی مهم در دگرگونی جوامع و بروز بحران‌ها می‌داند و عامل هویت را در جنبش‌های اجتماعی اخیر بسیار پررنگ می‌داند. در این کتاب پس از بررسی دیدگاه‌های نظری پیرامون بحران و جنبش‌های اجتماعی، به دلایل بروز خیزش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه می‌پردازد و آن‌ها را مورد تبیین قرار می‌دهد و برای درک عمیق‌تر موضوع، بررسی جامعه‌شناختی دولت ملی در خاورمیانه را مورد هدف قرار می‌دهد. نویسنده وجود دولت‌های نفتی و رانتیر در این بخش از جهان و نیز الگوهای حاکم بر جوامع آن‌ها از جمله نئوپاتریمونیالیسم و سلطانیسم در کنار معضل هویت را زمینه شکل‌گیری اعتراضات مردمی در این منطقه می‌داند. گفتنی است؛ این کتاب نیز به موضوع در سطح کلان پرداخته و دیدگاهی کلی به مخاطبان می‌دهد و از این منظر فاقد الگوی کاربردی برای کارشناسان حوزه اطلاعاتی و امنیتی است.

زنگنه، مهدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای پژوهشی با موضوع «شناسایی و تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های امنیتی» معتقدند امنیت زمانی پایدار و کم‌هزینه است که متکی بر رضایت مردم باشد. یکی از اصلی‌ترین وظایف سیاست‌گذاران جلوگیری از تبدیل نارضایتی به نفرت است سیاست‌گذاران باید به سمت ایجاد فضای شهروند

مدار، غیر رانتي و کارآمد حرکت نمایند چراکه اگر کشور دچار بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران توزیع، بحران کارآمدی و... گردد و این موضوع عمومیت پیدا نماید آینده نابسامانی پیش رو خواهد بود. گفتنی است؛ این مقاله به ریشه‌یابی اصل بحران کمتر توجه شده است.

مؤدب، شجاع و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای پژوهشی با موضوع «ارائه مدل تحول در چرخه‌های ظهور بحران‌های سیاسی - امنیتی، متأثر از فضای سایبر»، عنوان داشته‌اند انتقال بحران از فضای فیزیکی به سایبری باعث تحول در عوامل موجد بحران شده، به گونه‌ای که قدرت شبکه‌ای توانایی تأثیرگذاری بر آن‌ها را پیدا کرده و این اثر، توأم با تأثیر قدرت فیزیکی نقش مؤثری در ایجاد، کنترل و تداوم بحران‌های سیاسی - امنیتی دارد. گفتنی است؛ این مقاله بیشتر با نگاه سایبری به موضوع توجه کرده و از حوزه‌های دیگر غافل شده و چشم‌پوشی نموده است.

سبحانی‌فر، محمدباقر (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با موضوع «الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی در ج.ا.ایران از منظر مقام معظم رهبری» درصدد است تا در چارچوب مفهومی بحران‌ها و رویکردهای علمی مربوط به انواع بحران‌ها به بررسی مبانی و عناصر مدیریتی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پرداخته و سپس از یک سو با توجه به اصول راهبردی و شاخصه‌های مدیریتی ایشان و از سوی دیگر ملاحظه عناصر قابل شناسایی در اقدامات و سیاست‌های رهبری در مواجهه با انواع بحران‌ها به تبیین الگوی مدیریت بحران سیاسی در نظام ج.ا.ایران در دو سطح داخلی و خارجی پرداخته است. گفتنی است؛ این پژوهش بر مبنای فرمایش‌های گوهربار رهبری به موضوع پرداخته و از نظرات صاحب‌نظران نزدیک به ایشان برای شناخت منظومه فکری معظم له بهره‌برداری لازم صورت نگرفته است.

اصلانی، بهنیا (۱۴۰۰) در رساله دکترا با موضوع «کارآمدی نظام ج.ا.ایران در حل بحران‌های سیاسی شش‌گانه» با طرح چارچوب نظری، نظریه بحران‌های سیاسی، راه حل و کارآمدی نظام ج.ا.ایران را در مفاهیمی همچون قانون، اعتماد، انتخابات، رقابت، نخبگان، احزاب، جمهوریت، اسلامیت، اقتدار، بوروکراسی، عدالت و امکانات ارزیابی نموده است. یافته‌های این پژوهش، ارتباط و درهم تنیدگی مفاهیم ذکرشده در بستر وضعیت موجود دنبال شده است. گفتنی است؛ این پژوهش بیشتر به مسئله کارآمدی نظام برای

حل بحران پرداخته و به سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار در بروز بحران و همچنین حل بحران سیاسی پرداخته است.

ادبیات پژوهش و مفاهیم نظری

مفاهیم نظری

در حوزه بحران‌های سیاسی، نظریه‌هایی همچون نظریه نظام‌ها (دیوید ایستون)، نظریه نوسازی سیاسی (هانینگتون)، نظریه محرومیت نسبی و نظریه بحران و توسعه سیاسی لوسین دلیو پای اشاره داشت؛ لذا این پژوهش بر اساس نظریه بحران و توسعه سیاسی لوسین دلیو پای^۱ تهیه شده است: لوسین دلیو پای بحران‌های سیاسی را به پنج دسته (بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نفوذ و بحران توزیع) تقسیم می‌کند (پای، ۱۳۸۰: ۳۷).

بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه دریابد که آنچه را که تاکنون به طور درست و بی‌چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه «خود جمعی اش» پذیرفته است تحت شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست (سبیلان اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۳). بحران مشروعیت به شکل خاصی به فشارهای موجود بین برابری و ظرفیت در نشانگان توسعه ارتباط دارد. از آنجاکه مشروعیت خصیصه‌ای از نظام سیاسی است، به شکل خاصی با عملکرد ساختار حکومتی در ارتباط نزدیک است؛ بنابراین در تعیین ظرفیت نظام نقش اساسی دارد؛ به عبارت دیگر پذیرش و تأیید مشروعیت با مردم است و این امر احتمالاً آنگاه تحقق می‌یابد که به نظر رسد زمامداران به اصول برابری احترام گذاشته و تمایزات را تنها به عنوان واقعیت اشکال مناسب انفکاک تلقی می‌کنند؛ بنابراین تمامی پیشرفت‌های حاصل در نشانگان توسعه، همراه با تغییرات پیوسته در روابط بین برابری ظرفیت و انفکاک ساختاری احتمالاً واکنشی را ایجاد خواهد کرد که بر مشروعیت تأثیر گذاشته و می‌تواند بحران بزرگی را موجب شود (همان: ۱۳).

در بحران مشارکت مایرون واینر^۲ می‌گوید گذار از پادشاهی به جمهوری از حکومت استعماری به حکومت مستقل از نظام بدون حزب به نظام حزبی از حق رأی انحصاری به

1. Lucian w pye

2. Myron Weiner

حق رأی عمومی و از حکومت استبدادی به مردم سالاری همگی بیانگر مناسبات جدیدی بین ملت و دولت و اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی هستند. بحران مشارکت به شرایطی گفته می‌شود که ضمن آن خواسته‌های برابری طلبانه و تساوی خواهانه اقشار تازه تحرک یافته اجتماعی از ناحیه دولت سالاران و نخبگان حاکم مورد پذیرش واقع نمی‌شود و نیز کشمکش است به هنگامی که نخبگان فرمانروا درخواست یا رفتار افراد و گروه‌ها را در امر مشارکت سیاسی نامشروع قلمداد کنند و همچنین به وضعیت و حالتی تعبیر می‌شود که اداره‌های مشارکت طلبانه و تقاضاهای مداخله جویانه عمومی با ساختارهای سیاسی، اداری، حقوقی، عرفی و سنتی حاکم بر جامعه که ویژگی تمرکز و استبدادی برخوردار هستند در تضاد ناهمگونی قرار گیرند.

در بحران نفوذ جوزف لاپالومبارا^۱ می‌گوید: به طور مشابه، وقتی آن قسمتی از منابعی که یک ملت باید به طور گسترده به نفوذ خود اختصاص می‌دهد، محدود شود و دیگر فعالیت‌های آن، ملت را به خطر اندازد نوعی بحران نفوذ وجود خواهد داشت. درجایی که مشروعیت (آسیب پذیر یا مستحکم) حکومت ملی تهدید شود مسئله منابع مزبور واکنشی زنجیره‌ای را موجب خواهد شد. از لحاظ تحلیلی آنچه بحران نفوذ را از دیگر بحران‌ها متمایز می‌سازد آن است که این بحران می‌تواند با فشارهای وارده بر نخبگان برای ایجاد تعدیل‌های نهادی با نوآوری‌هایی در طیف توأم باشد.

در بحران توزیع مرتضی نعمتی می‌گوید یکی از کارکردهای حکومت چهره عمومی آن است. چهره عمومی به این معنا است که قدرت سیاسی توانایی توزیع مناسب امکانات بین گروه‌های مختلف جامعه را داشته باشد و تمامی گروه‌ها از دسترسی به امکانات ابراز رضایت نمایند. امکانات و منابع در یک جامعه تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزشی را دربرمی‌گیرد و تنها به منابع مادی محدود نمی‌شود. بحران توزیع زمانی بروز پیدا می‌کند که دولت منابع موجود را به نحو صحیح و عادلانه توزیع ننماید و اختلاف بین گروه‌ها طبقات یا دسته‌ها در دریافت منابع و امکانات وجود داشته باشد (همان: ۱۵).

1. Joseph LaPalombara

امنیت و مفاهیم برآمده از آن

ریشه امنیت از زبان عربی گرفته شده و تقریباً با مفهومی یکسان در زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. امنیت از کلمه من می‌آید که به معنی آرامش یافتن، بیمناک نبودن و نترسیدن است. در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن و در امان بودن تعریف شده است. امنیت مصونیت و نداشتن بیم و احساس تهدید نسبت به منافع اساسی است. امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراسی و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نماید (نوری نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۸). در فرهنگ آکسفورد امنیت را با عبارت زیر تعریف کرده است: شرایطی که در آن، یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود. تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت بر روی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند، برژینسکی معتقد است: امنیت عبارت است از وجود شرایطی برای حفظ و برقراری اقداماتی که کشور را از نفوذ دشمن مصون نگه می‌دارد. باری بوزان امنیت را رهایی از هر نوع خطر و تهدید می‌داند. آرنولد^۱ و الفرز^۲ می‌گویند: امنیت از نظر عینی و شهودی یعنی عدم وجود تهدیداتی که ارزش‌های حیاتی را به خطر می‌اندازد و از نظر ذهنی یعنی نبود هیچ هراسی علیه ارزش‌های مذکور، ماندل با توجه به فرهنگ علوم رفتاری دو معنا از این واژه را مطرح می‌کند: یک «حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام شود» و دوم «احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه‌های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود» (نوری نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۹). همچنین رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اهمیت امنیت می‌فرماید: «مقولۀ امنیت، یک مقولۀ بسیار مهم و استثنایی است. شما ببینید خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «و امنهم من خوف» یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خود را نعمت امنیت به شمار می‌آورد و آن

1. Guy Arnold

2. Edward Azar

را به رخ آن مردمی که مخاطب این معنا بودند می‌کشد» (بیانات در هفدهمین دوره دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی - ۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

بحران و مفاهیم برآمده از آن

مفهوم بحران دارای گستره وسیعی بوده؛ لذا به منظور درک درست مفهوم بحران، تعاریف بیان شده از سوی صاحب نظران این حوزه بیان می‌گردد؛ اولین صاحب نظر، مینتزبرگ^۱ و همکاران بوده که بحران را به این گونه تعریف نموده «بحران در اثر وقوع فوری، ناگهانی و غیرمنتظره حوادث و یا اتفاق به وجود می‌آید که توجه فوری و فوری به آن برای اخذ تصمیمی فوری ضروری است». کومیز^۲ (۲۰۰۷) «بحران را یک رویداد ناگهانی و غیرمنتظره می‌داند که تهدیدی برای اختلال در عملکرد و اعتبار سازمان ایجاد نموده و می‌تواند بر ذینفعان آسیب جسمی، روحی و یا مالی وارد کند و بر طیف گسترده‌ای از آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد». لاری اسمیت^۳ بحران را «یک اغتشاش عمده در سازمان که دارای پوشش خبری گسترده‌ای شده و کنجکاوی مردم درباره موضوع بر فعالیت‌های عادی سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند اثر سیاسی قانونی، مالی و دولتی بر سازمان بگذارد». می‌داند و پیتز بروک^۴ «بحران‌ها در جهان زیست نمی‌کنند آن‌ها در گفتمان زیست می‌کنند. بحران‌ها رویدادهای واقعی نیستند بلکه ارزیابی‌های اهمیت آن چیزهایی هستند که دارد اتفاق می‌افتد». می‌تراف^۵ بحران را «رخدادی است که می‌تواند بر کل سازمان تأثیر بگذارد یا دست کم قابلیت چنین اثرگذاری را دارد» تعریف می‌کند. محمدرضا تاجیک بحران را «یک دسته حوادث و وقایع که به سرعت حادث گردیده و تعادل نیروها را در نظام کلی بین‌المللی یا نظام‌های فرعی بیشتر از حد متعارف (متوسط) برهم زند و شانس و امکان تشدید تخاصم در سامانه را افزایش می‌دهد» دانسته و حسینی و همکاران نیز تعریف بحران را به این گونه می‌داند «وضعیتی است که در آن، یک سامانه با بخش‌هایی از آن، مختل (یا تهدید به اختلال شده) و تغییرات ناگهانی یا مخرب در یک یا چند متغیر سامانه‌ای اساسی (برای مثال تغییر ناگهانی

1. Mintzberg et al
2. Coombz
3. Larry Smith
4. Peter Brooke
5. Mytraf

در قدرت بازدارندگی یک ابرقدرت در برابر قدرت دیگر) باعث بی‌ثباتی کل سامانه می‌شود» (یوسفی رامندی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

بنابراین تعریف بحران دارای مفاهیمی همچون تهدید ارزش‌های بنیادین و منافع رادیکالی، محدودیت و فشردگی زمان، مورد آماج قرارگرفتن اهداف حیاتی، غافلگیری و استرس، مخدوش شدن اطلاعات، بروز وضعیت خاص روان‌شناختی، تغییر کارکردهای تمامی عناصر اجتماعی-سیاسی و شکل‌گیری نقش‌های جدید، ظهور ناگهانی وضعیتی منتظره یا غیرمنتظره، ضرورت اتخاذ تصمیم برای پاسخ‌دادن است.

بحران سیاسی بحران مشروعیت نظام حاکم است آنگاه که نخبگان سیاسی یک جامعه استعداد و قابلیت تولید و بازتولید ارتباطات و مناسبات مبتنی بر اعتماد و مقبولیت خود را از دست می‌دهند و سیستم دچار ناکارآمدی می‌شود، بحران حادث می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، کتب و مصاحبه، اطلاعات پژوهش جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کیفی با نرم‌افزار Maxqda و کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و این پژوهش بر اساس نظریه لوسین پای انجام شده است.

- ۱) رویکرد پژوهش: رویکرد پژوهش تلفیقی است.
- ۲) جامعه آماری: در این پژوهش جامعه آماری به روش هدفمند (۱۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران مقطع دکتری رشته علوم سیاسی) انتخاب شده‌اند.
- ۳) روش گردآوری: در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از کتب، مقالات و نشریات) و میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق) استفاده گردیده است.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های پژوهش حاضر با انجام مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه بحران دارای تحصیلات دکترا در رشته علوم سیاسی به دست آمده که

نتایج حاصله پس از جمع‌آوری، به وسیله نرم افزار Maxqda دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کیفی شده است. از این رو نتایج به شرح زیر است:

بعد هویت

۱) مؤلفه انسجام ملی

انسجام ملی به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. افزایش ضریب وحدت و همبستگی ملی باعث کاهش تهدیدهای خارجی و داخلی شده و زمینه‌های مناسبی را برای توسعه و پیشرفت کشور را فراهم می‌کند. انسجام ملی موقعیتی است که در آن افراد جامعه از طریق تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر پیوند خورده‌اند (رضایی کلواری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۱) شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص تبعیت‌پذیری مردم از حاکمیت
- شاخص ۲: شاخص یکپارچگی و اتحاد نهادهای سه قوه با یکدیگر
- شاخص ۳: شاخص حمایت و پوشش رسانه‌ها و فضای مجازی برای تقویت انسجام

ملی

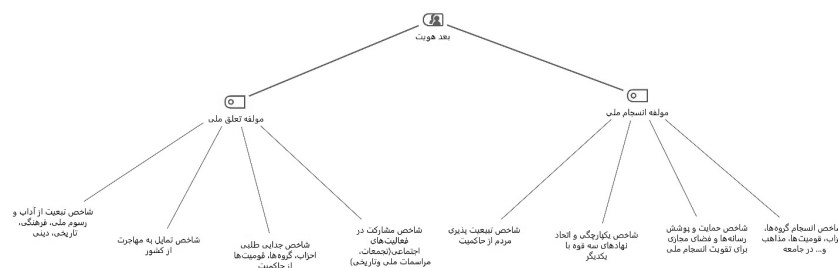
- شاخص ۴: شاخص انسجام گروه‌ها، احزاب، قومیت‌ها، مذاهب و... در جامعه

۲) مؤلفه احساس تعلق ملی

تعلق خاطر به جامعه، حسی بالنده میان مردمی با منافع و سرنوشت مشترک است که بسیار حیاتی است و وجود جامعه، متضمن علاقه، وابستگی و وفاداری افراد به آن و احساس پیوستگی به «ما» کلی است. این همان پاسخ عاطفی نسبت به «ما» بزرگ‌تر است که تجلی عینی آن این است که فرد خود را جزئی از «ما» بزرگ‌تر و جامعه را خانه خود می‌داند؛ به عبارتی این احساس تعلق اجتماعی است که ریشه تفاوت فرد از یک جامعه با افراد جوامع دیگر است؛ زیرا در هویت‌یابی ملی، مردم یک جامعه در این احساس باهم اشتراک دارند و به هم پیوند می‌خورند (بهشتی، ۱۳۹۶: ۳۰). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص تبعیت از آداب و رسوم ملی، فرهنگی، تاریخی، دینی
- شاخص ۲: شاخص تمایل به مهاجرت از کشور
- شاخص ۳: شاخص جدایی‌طلبی احزاب، گروه‌ها، قومیت‌ها از حاکمیت

- شاخص ۴: شاخص مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی (تجمعات، مراسمات ملی و تاریخی)



شکل ۱: خروجی تحلیلی نرم‌افزار Maxqda پیرامون مؤلفه و شاخص‌های بعد هویت

بعد مشروعیت

- ۱) مؤلفه اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی
- اعتماد عمومی بدین معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه که در این تعامل، نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آن‌ها پاسخ دهند؛ به عبارت دیگر، اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۵).
- شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص رضایتمندی مردم از نهادهای حکومتی
 - شاخص ۲: شاخص صداقت و شفافیت نهادهای حکومتی با مردم
- ۲) مؤلفه پذیرش اجتماعی حکومت

پذیرش اجتماعی درواقع برآیند چندین پدیده اجتماعی همچون نفوذ اجتماعی، هم‌نوایی، قضاوت اجتماعی و نگرش‌های افراد به حکومت است (شاهوردی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۳۱).

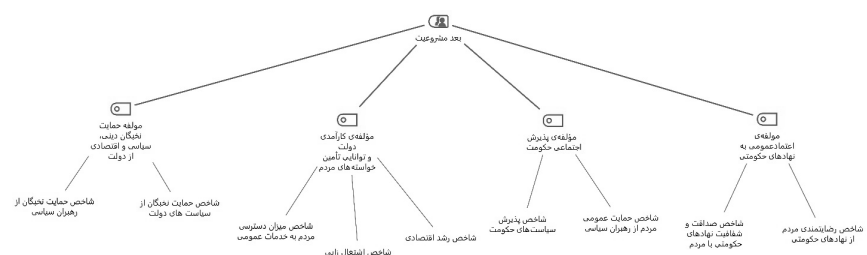
شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص حمایت عمومی مردم از رهبران سیاسی
- شاخص ۲: شاخص پذیرش سیاست‌های حکومت
- ۳) مؤلفه کارآمدی دولت و توانایی تأمین خواسته‌های مردم

کارآمدی را میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف است تعریف شده است؛ بنابراین نظام سیاسی آنگاه کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم از آن متوقع هستند انجام دهد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی اجتماعی سیاسی مادی معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک‌تک آنان در اجتماع است (صیاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵) شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص رشد اقتصادی
 - شاخص ۲: شاخص اشتغال‌زایی
 - شاخص ۳: شاخص میزان دسترسی مردم به خدمات عمومی
 - ۴) مؤلفه حمایت‌نخبگان دینی، سیاسی و اقتصادی از دولت
- در طول تاریخ، نخبگان در زمینه‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر حرکت دولت‌ها و ملت‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله عرصه‌های ملی، بین‌المللی، فرهنگی و اجتماعی و... ایفا نموده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۳۱ و ۱۳۲). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص حمایت‌نخبگان از سیاست‌های دولت
- شاخص ۲: شاخص حمایت‌نخبگان از رهبران سیاسی



شکل ۲: خروجی تحلیلی نرم‌افزار Maxqda پیرامون مؤلفه و شاخص‌های بعد مشروعیت

بعد مشارکت

- ۱) مؤلفه مشارکت در فعالیت‌های سیاسی (انتخابات و...)

در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی «مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی است» تعریف شده است (صفری، ۱۳۹۶: ۲). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

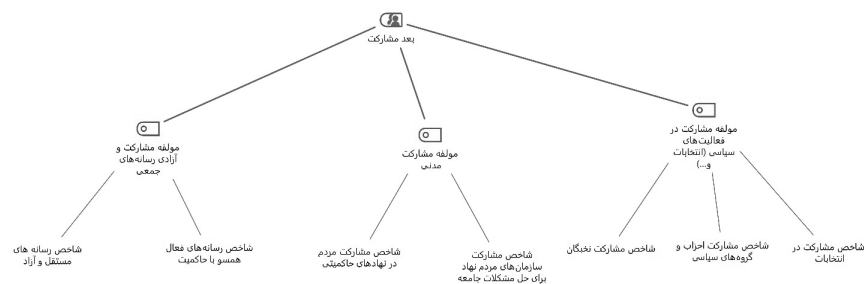
- شاخص ۱: شاخص مشارکت در انتخابات
- شاخص ۲: شاخص مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی
- شاخص ۳: شاخص مشارکت نخبگان
- ۲) مؤلفه مشارکت مدنی

بنا بر نظر آرنولد، آموزش شهروندان تکلیف اصلی دولت یا میدان عمل دولت است که در خدمت یکپارچه کردن انسان‌ها قرار می‌گیرد و شهروندان را برای مشارکت حداکثری در اداره کشور و سهیم شدن بیشتر در قانون قدرت متمرکز، آماده و مجهز می‌کند (Rahmatollahi, 2015: 113,114). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد برای حل مشکلات جامعه
- شاخص ۲: شاخص مشارکت مردم در نهادهای حاکمیتی
- ۳) مؤلفه مشارکت و آزادی رسانه‌های جمعی

دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و آگاهی آنان از اخبار پیرامونی خود یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی است که تأمین آن از وظایف دولت‌ها به‌شمار می‌رود و در اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی کشورها از آن حمایت شده است (معبودی نیشابوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص رسانه‌های فعال همسو با حاکمیت
- شاخص ۲: شاخص رسانه‌های مستقل و آزاد



شکل ۳: خروجی تحلیلی نرم افزار Maxqda پیرامون مؤلفه و شاخص‌های بعد مشارکت

بعد نفوذ:

۱) مؤلفه نفوذ گروه‌های مخالف و ضد حاکمیت

گروه‌های مخالف و ضد حاکمیت در ادبیات سیاسی به افراد و گروه‌هایی که با اکثریت موافق نباشند گروه‌های مخالف می‌گویند. این مخالفت می‌تواند اختلاف عقیده با دکتترین رسمی حکومت یا نارضایتی از آن باشد که در اصطلاح به آن دگراندیشی می‌گویند (فکری و رهبر، ۱۴۰۰: ۶). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص فعالیت و تحرکات گروه‌های مخالف و ضد حاکمیت
- شاخص ۲: شاخص تأثیرگذاری گروه‌های مخالف و ضد حاکمیت بر تصمیم‌گیری‌ها

۲) مؤلفه نفوذ کشورهای خارجی

در اصطلاح سیاسی، نفوذ خارجی، شکلی از قدرت است که به موجب آن، یک بازیگر خارجی از توانایی وادارکردن بازیگر دیگر به اقدام در چهارچوب اهداف، اولویت‌ها و منافع خود و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم در تصمیمات و عمل کرد آن‌ها برخوردار می‌شود (جعفری ولدانی و پیرهادی، ۱۳۹۵: ۶۴). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص تأثیرپذیری نهادهای حاکمیتی و مردم از مهاجرین و اتباع
- شاخص ۲: شاخص تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها و فضای مجازی
- شاخص ۳: شاخص تأثیرپذیری از قدرت‌های بین‌المللی
- شاخص ۴: شاخص تأثیرپذیری از نهادهای بین‌المللی
- شاخص ۵: شاخص همکاری و تعاملات بین‌المللی با نهادهای حاکمیتی

۳) مؤلفه نفوذ نخبگان سیاسی، مذهبی و...

گائتاموسکا اولین دانشمندی است که در مورد نخبگان به نظریه پردازی پرداخته و تمایز اصولی بین نخبگان و توده مردم به وجود آورده است. موسکا معتقد است که انسان به تنهایی و بدون کمک طبقه ویژه نمی‌تواند حکومت کند و بالطبع، تمام مردم هم هیچ وقت نمی‌توانند به حکومت برسند؛ زیرا نه لیاقت، نه علاقه و نه عمل مشترک را برای این مهم دارند؛ بنابراین همواره اقلیتی بر اکثریت حکومت می‌کنند. (تمنده، ۱۳۹۹: ۴۶).

شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص اثرگذاری نخبگان سیاسی، مذهبی و... بر تصمیم‌گیری‌های حاکمیت

- شاخص ۲: شاخص اثرگذاری نخبگان سیاسی، مذهبی و... بر نهادهای حاکمیتی

۴) مؤلفه نفوذ گروه‌های ذینفع و فشار
پاتریک گانیک معتقدند «گروه‌های فشار به جمعی از افراد گفته می‌شود که اهداف سیاسی داشته و می‌خواهند قوانین را تحت تأثیر قرار دهند و گروه‌های ذینفع به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که دارای علائق مشترک بوده و اهداف سیاسی ندارند» (وکیلان، ۱۳۹۴: ۷۴).

شاخص‌های این حوزه عبارتند:

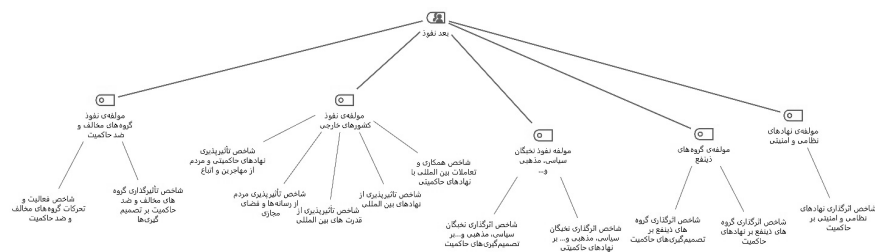
- شاخص ۱: شاخص اثرگذاری گروه‌های ذینفع بر تصمیم‌گیری‌های حاکمیت

- شاخص ۲: شاخص اثرگذاری گروه‌های ذینفع بر نهادهای حاکمیت

۵) مؤلفه نفوذ نهادهای نظامی و امنیتی
نهادهای نظامی و امنیتی از طریق افزایش حضور، تأثیرگذاری و مشارکت در ساختارهای تصمیم‌گیری سیاسی و اجرایی حکومت، قدرت بیشتری نسبت به سایر نهادهای مدنی و سیاسی به دست می‌آورند. این نفوذ می‌تواند در ابعاد مختلفی مانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی رسانه‌ای مشاهده گردد (Brooks, 2019: 86).

شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص: شاخص اثرگذاری نهادهای نظامی و امنیتی بر حاکمیت



شکل ۴: خروجی تحلیلی نرم‌افزار Maxqda پیرامون مؤلفه و شاخص‌های بعد نفوذ

بعد توزیع:

۱) مؤلفه توزیع امنیت عمومی

هیث‌وود^۱ معتقد است «توزیع امنیت عمومی باید بر اساس اصول عدالت اجتماعی بوده و به نحوی انجام شود که احساس امنیت برای همه گروه‌های جامعه به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم گردد» (Heythwood, 2020:65-70) شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص دسترسی به نهادهای حامی
- شاخص ۲: شاخص دسترسی به خدمات امنیتی و پلیس
- شاخص ۳: شاخص سطح امنیت عمومی

مؤلفه توزیع عدالت اجتماعی

عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند (هزارجریبی، ۱۳۹۰:۴۴). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص دسترسی به اینترنت، فضای مجازی و رسانه‌ها
- شاخص ۲: شاخص توزیع خدمات بهداشتی
- شاخص ۳: شاخص توزیع منابع طبیعی و زیرساختی
- شاخص ۴: شاخص توزیع امکانات آموزشی و رفاهی

۲) مؤلفه توزیع اقتصادی

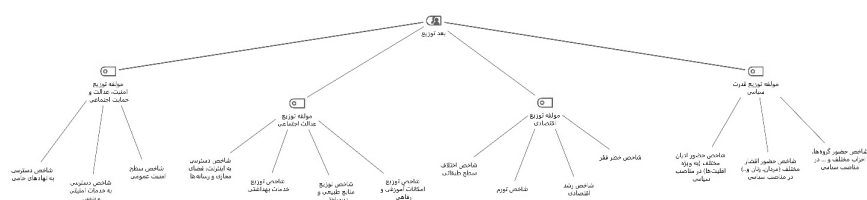
1. Heythwood

عدالت توزیع اقتصادی از دیدگاه رالز عبارت است از «حذف امتیازات بی‌وجه و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها تا به این صورت امتیازات و خواسته‌های نابه‌جا از ساختار اجتماعی و تعادل در ساختار اجتماعی حاصل شود» (سیف و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۹). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص اختلاف سطح طبقاتی
 - شاخص ۲: شاخص تورم
 - شاخص ۳: شاخص رشد اقتصادی
 - شاخص ۴: شاخص خطر فقر
- ۳) مؤلفه توزیع قدرت سیاسی

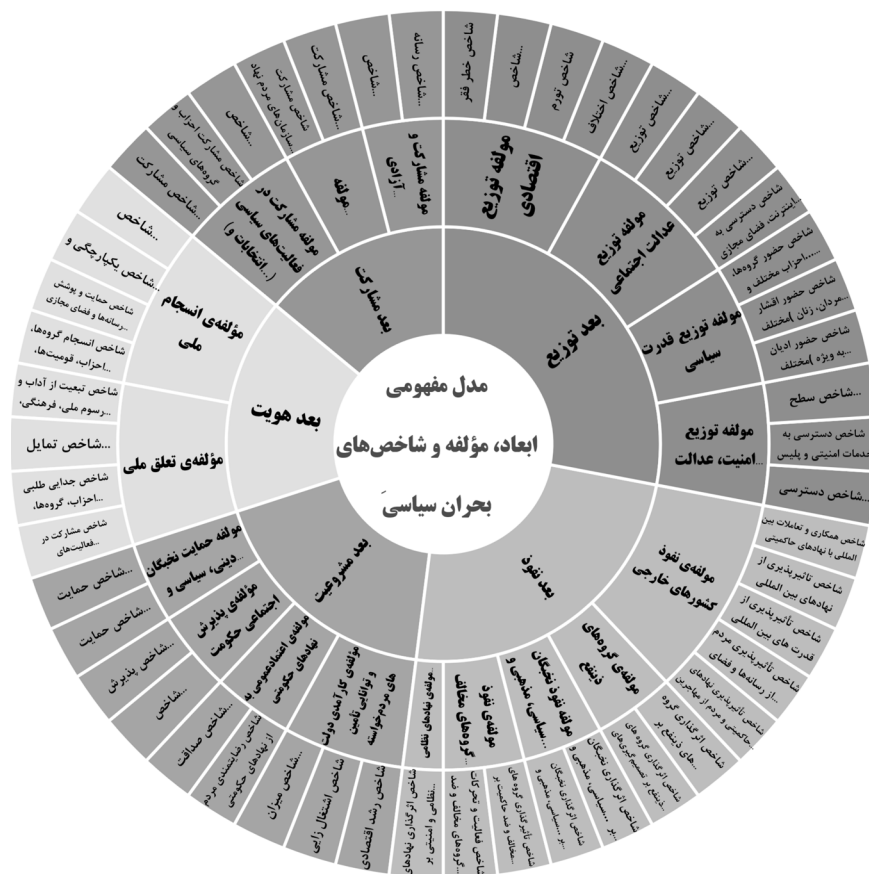
پخش قدرت متمرکز سیاسی در پهنه سرزمینی و برخوردار کردن نهادها و سازمان‌های مردمی و حکومتی محلی از اقتدار و تصمیم‌گیری و اجرا در امور مربوطه، به نحوی که متضمن وحدت و امنیت ملی و توسعه پایدار همه‌جانبه و پویا در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی باشد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴). شاخص‌های این حوزه عبارتند:

- شاخص ۱: شاخص حضور ادیان مختلف (به‌ویژه اقلیت‌ها) در مناصب سیاسی
- شاخص ۲: شاخص حضور اقشار مختلف (مردان، زنان و...) در مناصب سیاسی
- شاخص ۳: شاخص حضور گروه‌ها، احزاب مختلف و... در مناصب سیاسی



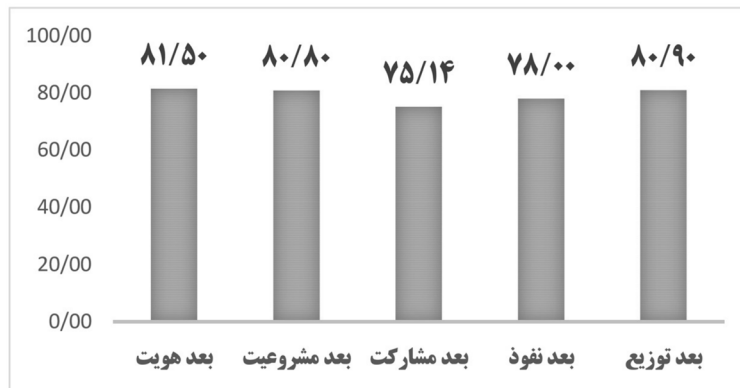
شکل ۴: خروجی تحلیلی نرم‌افزار Maxqda پیرامون مؤلفه و شاخص‌های بعد توزیع

جمع‌بندی حاصل از مصاحبه، در قالب شکل زیر نشان داده شده است. برابر این شکل، ابعاد بحران سیاسی شامل بعد هویت که دارای ۲ مؤلفه و ۸ شاخص، بعد توزیع شامل ۴ مؤلفه و ۱۴ شاخص، بعد نفوذ شامل ۵ مؤلفه و ۱۲ شاخص، بعد مشروعیت شامل ۴ مؤلفه و ۹ شاخص، بعد مشارکت شامل ۳ مؤلفه و ۸ شاخص است.

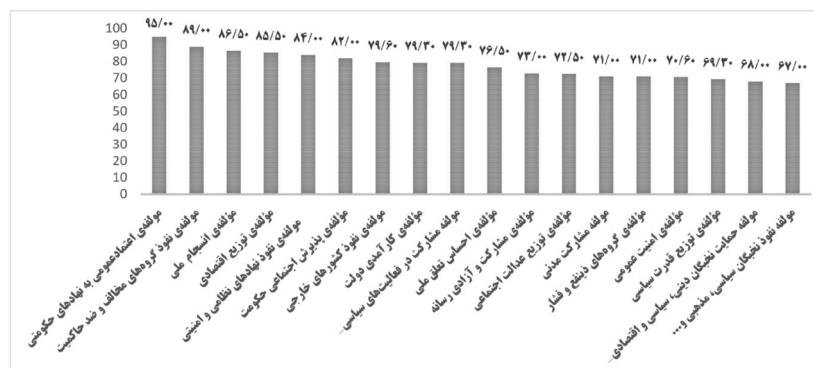


شکل ۵: نمودار خورشیدی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران سیاسی

ب) یافته‌های بند الف، به منظور سنجش میزان تأثیرگذاری شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد در بروز و کنترل بحران سیاسی در قالب پرسش‌نامه‌ای در اختیار جامعه آماری قرار گرفت که نتایج حاصل به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل کمی شده است. از این رو نتایج به شرح زیر است:



ب-۱) اثرگذاری ابعاد در بروز و کنترل بحران سیاسی
ملاحظه: برابر یافته‌های پژوهش، به ترتیب بعد هویت، توزیع، مشروعیت، نفوذ و در نهایت مشارکت در بروز و کنترل بحران‌های سیاسی تأثیرگذار هستند.
ب-۲) اثرگذاری مؤلفه‌ها در بروز و کنترل بحران سیاسی



ب-۳) اثرگذاری شاخص‌ها در بروز و کنترل بحران سیاسی: برابر یافته‌های پژوهش، ۸ شاخص بیشترین نمود را در شاخص‌های احصاء شده داشته‌اند که به ترتیب شاخص رضایتمندی مردم از نهادهای حکومتی، یکپارچگی و اتحاد نهادهای سه قوه با یکدیگر، صداقت و شفافیت نهادهای حکومتی با مردم، فعالیت و تحرکات گروه‌های مخالف و ضد حاکمیت، تأثیرپذیری از قدرت‌های بین‌المللی، اختلاف سطح طبقاتی، تبعیت‌پذیری مردم از حاکمیت و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها و فضای مجازی می‌باشند.

تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری

بحران‌های سیاسی، به عنوان پدیده‌هایی پیچیده، همواره به عنوان تهدیدی جدی برای ثبات و امنیت کشورها مطرح بوده‌اند. تحلیل و درک صحیح از این بحران‌ها نه تنها امکان مدیریت و کاهش اثرات مخرب آن‌ها را فراهم می‌آورد، بلکه از بروز و گسترش این بحران‌ها به سطوحی که به ناپایداری گسترده منجر شوند نیز جلوگیری می‌کند. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های سیاسی به بررسی جامعی از این پدیده پیچیده پرداخته است.

درنهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شناخت علمی و دقیق از مؤلفه‌ها و نشانه‌های بحران سیاسی، از اهمیت حیاتی برخوردار است. بهره‌گیری از این دانش می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در دستان سیاست‌گذاران قرار گیرد تا از مواجهه با بحران‌های ناگهانی و کنترل نشده جلوگیری کنند. همچنین، با توسعه مدل طراحی شده در پژوهش و تدوین راهکارهای پیشگیرانه، می‌توان شرایطی را فراهم آورد که جامعه از تلاطمات و بی‌ثباتی‌های سیاسی عبور کرده و به سوی ثبات و توسعه پایدار حرکت کند. در دنیای امروز که تغییرات و چالش‌های سیاسی به سرعت در حال رخ دادن هستند، ضرورت بهره‌مندی از رویکردهای علمی و مدبرانه در مدیریت بحران‌های سیاسی بیش از پیش احساس می‌شود. در همین راستا، تقویت نهادهای حکومتی، افزایش مشارکت مردمی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و توسعه تعاملات بین‌المللی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به مدیریت موفق بحران‌های سیاسی کمک نموده و به برقراری ثبات و امنیت در جوامع کمک نمایند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اصلانی، بهنیا، (۱۴۰۰)، کارآمدی نظام ج.ا.ایران در حل بحران‌های سیاسی شش‌گانه، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهشتی، سید صمد، حق‌مرادی، محمد، (۱۳۹۶)، احساس تعلق ملی در میان اقوام ایرانی، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، شماره ۶۷.
- تمنده، سید اشکبوس، ملائکه، سید حسن، اقارب‌پرست، محمدرضا، (۱۴۰۰)، بررسی نقش نخبگان سیاسی در توسعه کشور، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره سیزده.
- جعفری ولدانی، اصغر، پیرهادی محسن، (۱۳۹۵)، جایگزینی نفوذ آمریکا به جای انگلیس در ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره بیست و دوم.
- خواجه سروی، غلامرضا، پردبار، احمدرضا، (۱۳۹۴)، نقش انگلستان در ایجاد بحران‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳.
- دانایی‌فرد، حسن، حسن‌زاده، علیرضا، نصراللهی، سمیه، (۱۳۹۳)، واکاوی سازوکارهای کلیدی تقویت اعتماد عمومی به دولت، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸.
- رضایی کلواری، نورالله، شریفی، سعید، تقی‌پور، فائزه، (۱۴۰۰)، ارائه مدل همدلی قومی- فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
- زنگنه، محسن، ساوه‌دروودی، مصطفی، حاجی‌پور، ابراهیم، داودی، سیروس، (۱۳۹۵)، شناسایی و تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های امنیتی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، شماره ۱.
- ساوه‌دروودی، مصطفی، خلیلی، ابراهیم، ملکی، عباس، (۱۳۹۲)، بحران‌های سیاسی و توسعه سیاسی در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی امنیت‌پژوهی، شماره ۴۳.
- سبحانی‌فر، محمدباقر، (۱۳۹۹)، الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی در ج.ا.ایران از منظر مقام معظم رهبری، دانشگاه پیام نور واحد قزوین.
- سبیلان اردستانی، (۱۳۹۴)، نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران‌های سیاسی، نشریه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، شماره ۲۶.
- سجادی، سید فرزاد، بادسار، محمد و مجردی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، نقش اقدامات پدافندی در مدیریت بحران منابع طبیعی (مورد مطالعه: غرب استان کردستان)، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، شماره ۲۵.
- سیف، اله مراد، شیخ، علیرضا، بهدادفر، رسول، (۱۳۹۸)، الگوی عدالت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، شماره ۷۸.
- شاهوردی، جمیله، نوردی نامیله، ژاله، شاهوردی، مریم، (۱۳۹۴)، پذیرش اجتماعی در کارمندان دولتی و مشاغل آزاد، ویژه‌نامه روانشناسی معاصر، شماره ۱۰.

- شجاع مؤدب، حمیدرضا، حسینی تاش، سیدعلی، آقایی، محسن، امیری مقدم، رضا، (۱۳۹۹)، ارائه مدل تحول در چرخه‌های ظهور بحران‌های سیاسی-امنیتی، متأثر از فضای سایبر، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۳۵.
- صفری، مصطفی، (۱۳۹۶)، راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت، موانع و محدودیت‌ها، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- صباد، محمد رضا، خسروی، محمدعلی، ملک تاج، (۱۳۹۷)، تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در ج.ا.ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم.
- فضلی، رسول، (۱۴۰۰)، بحران‌های سیاسی-اجتماعی زمین‌لرزه در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فکری، میثم، رهبر، عباسعلی، (۱۴۰۰)، بازشناسی مواجهه ج.ا.ایران و اپوزیسیون، در چهل سالگی انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۷.
- قالیباف، محمدباقر، پورموسوی، سیدموسی، (۱۳۹۰)، درآمد‌های نفتی و توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره دوم.
- کنعانی، اکبر، محمدی برزگر، جعفر، (۱۳۹۷)، نقش مرکز فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران‌های اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، شماره ۴.
- معبودی نیشابوری، رضا، رضایی، سیدعلیرضا، حسینی مدرس، سیده محیا، (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی تعارض میان آزادی رسانه‌ها و حقوق مجرمین، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه، زمستان ۱۴۰۱.
- مهدی‌زاده، منصوره، (۱۳۹۹)، اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، فصلنامه راهبرد، سال بیست و نهم، شماره ۹۴.
- نوری نژاد، محمد، غلامحسینی، اسماعیل، علوی وفا، حمید، (۱۴۰۱)، تبیین و تحلیل شاخصه‌های امنیت پایدار در مناطق حاشیه‌نشین، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، نشر دانشگاه امام حسین (ع)، شماره چهاردهم.
- واعظی، محمود، (۱۴۰۱)، بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه، تهران، انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- وکیلان، حسن، (۱۳۹۴)، بررسی نقش و نحوه تأثیر گروه‌های ذینفع در سیاست‌گذاری برای فضای کسب‌وکار، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۸.
- یوسفی رامندی، رسول، یوسفی رامندی، محمد مهدی، (۱۳۹۹)، راهبردهای پیشگیرانه فعال بحران سیاسی-امنیتی بر تحلیل ناآرامی‌های سال ۱۳۹۷، نشریه سیاست دفاعی، پاییز ۱۳۹۹- شماره ۱۱۲.

منابع انگلیسی:

- Rahmatollahi, H, Ahmadi, Sajad, Agae, Aga Mohammad, (2015), The role of state in the process changing puplic order to legalorde, journal of Applited Environmental

and Biological Sciences (JAEBS), 5(2).

- Brooks, Risa, (2019), Militaries and Political Activity in Democracies, Annual Review Political Science (22).
- Heythwood, Charlotte, ,(2020) Security and Social Justice: Global Perspectives ,Cambridge University Press.